

مجلس شاہ

خطابه جوایه مجلس سنا برای تقدیم بحضور شاهنشاه فرمان و تائید شد
طرح الغای لوایح ناشیه از اختیارات دکتر مصدق
پس از مذاکرات مفصل تصویب و بمجلس شورای ملی، اعاده گردید
لایحه اضافه اقیانوس و زوارت فرنگ
مورد اظهار نظر مشورتی قرار گرفت و تصویب رسید
فرمایت طرح افاده باز نشستگان تصویب شد

جایه علی مجلس سنا ساعت نه
تین با مادر امروز برایست آغاز ابراهیم
حکیمی «حکم الملک» رسیده بایات
بس از طرح و تصویب صور تجلیه
قبل آغاز جمال امامی کفت: بنده را پیش
دام که اجازه میخواهم قبل از دستور
عرض کنم.

خطابه جوایه آغازی رعایت اظهار داشت: آغاز ایام
دو میلیون کیسنهای خواهد شد فرمود
که لوایح برای روز چهارشنبه آیینه
تصویب فرمایند که در دستور قرار گردید
این خطابه جوایه مجلس من پیش از
اعلیحضرت های این قدر این میشود
در این هنگام خطابه جوایه مجلس
سنا که جدا کان درگرد شده است (توسط
آیای موبایل ثابتی منشی هیئت رئیسه
خواهد شد).

نظری دارید
دیس - اگر نظری باشد آیا بن
خواهد فرمود الباری تقدیم به بیشگاه
های ایوانی هیئت رئیسه شریف شود
در این موقیع اقای شمس ملک آرا
تد کرد که دادگاه بمقتضی مدنی ایجاد
لوایحی بجهش داده شود که از طرف
آیان نایندگان جواب داده شد
آیان نایندگان تقدیم میراث ماید
باشد هیئت رئیسه شریف پیشگاه
باشد هیئت رئیسه شریف پیشگاه
های ایوانی کند
(ستاندارها - مخالفی نیست)

مخالف فانون نیست
دیس - طرح ایام کله لوایح
آقای دکتر مصدق مطرح است و بقای شور
در کلیات شروع شد
خواهه نوری (مفتر کیسنهای) -
بقیه در صفحه چهارم

خطابه جوایه مجلس سنا

بحضور اعلیحضرت های ایوان شاهنشاهی

امروز خطابه جوایه مجلس سنا فرمان و مقرر گردید هشت دیمه

مجلس حضور اعلیحضرت های ایوانی تقدیم نماید

اعلیحضرت قا:

افتتاح پنجین دوره اچلاسی مجلس سنا که از طرف قرین الشرف

ملوکاً انجام پذیرفت موجع کمال شکر و اختیارات.

اظهار سن نظر و ایاز رضایتی که از طریق مجلس سنا و مراقت در

اداء وظایف قانونی کاری فرموده بودند تشویق است که ازین هیئت قننه

فرموده و باعث میباشد و سرافرازی است.

مجلس سنا در پیوی از نیات عالیه ملوکانه و هدایت و راهنمایی ذات

شاهنه اعنالو شوکت این کشش باستانی و رفاه و آسایش موم طبقات این مردم

دان ایوان مقصود و مرام خود. قرارداده است و در شیر و صلاح مملکت و عظمت

مقام سلطنت از هیچ نوع خدمتکاری فروکنار نهایه شد.

موضوع نفت که در ضمن بیانات ملوکانه با آن اشاره شده بود از مهمترین

نقیه در صفحه دهم

در عکس بالا اعلیحضرت های ایوان هنکام اعطای کوایینه های شاکران

اویل یکی از مدیران مدارس دیده میشوند آقای جعفری و زیر فرنگ

نیز شریف ایام میباشد

محاکمه دو مین دسته افسر آن متهم شروع میشود

پرونده دوازده نفر افسران محکوم به دادگاه تجدید نظر ارجاع ۵ دید

و امرور از طرف دادگاه به مقاضی ایلانگ شد و کلاع مدافعت خود را تعیین کنند

روز دوشنبه محاکمه دوازده نفر افسران سازمان نظامی

در دادگاه تجدید نظر آغاز می شود

جلسات دادگاه تجدید نظر در باشگاه شتر ۲ راهی تشکیل میگردد

ادعای ایوان دادستان ارش علیه دوازده نفر دیگر از افسران سازمان نظامی

صادر شد و پونه آنها به دادگاه بدوی ارجاع گردید

دانستان ارش برای دو مین دسته افسران آن متهم نیز تقاضای

مجازات اعدام کرده است

حضره زینجنبه بر پرونده دوازده

نفر افسران دو نفر غیر نظامی معمکن باشد

با عذر ایوان سرهنگ سیاستکار، سرهنگ برایان

سرگرد و اعظمی، سرهنگ عطاءورد سروان مدنی، سروان شفا، سروان یکم

اسلامی، سروان یکم افزاره، سروان از طرق

سروانی، سروان یکم افزاره، سروان یکم

هزینه کفت در دسال جاری ساختمان چهل

و سه باب مدرسه در تهران بوسیله باشگاه

ساختنی قریب بیان است و برای

احداث مدارس در شهرستانها هم اقدام

نیز در صفحه دهم

حضره زینجنبه بر پرونده دوازده

نفر افسران دو نفر غیر نظامی معمکن باشد

با عذر ایوان سرهنگ سیاستکار، سرهنگ برایان

سرگرد و اعظمی، سرهنگ عطاءورد سروان مدنی، سروان شفا، سروان یکم

هزینه کفت در دسال جاری ساختمان چهل

و سه باب مدرسه در تهران بوسیله باشگاه

ساختنی قریب بیان است و برای

احداث مدارس در شهرستانها هم اقدام

نیز در صفحه دهم

جشن مهر کان در حضور شاهنشاه

اعلیحضرت های ایوانی، گواهینامه و نشانهای

دانش آموزان رتبه اول مدارس راعطا فرمودند

جریان جشن هر گان در فالار فریان

جریان روز

اطلاعات

زندگی بی نفت

انتخاب ایران مثبت شورای میاست اقتصاد

بدون نفت در شهرهای خود میتویند: بین المللی بمنزله یک پیویزی بزرگی

مرای کشور را داشت که ملت ایران در این آزاد بزرگ و زیارت

بی نظر خوش چند ساله است اکنون کشیده

خواهی خودداری کند از ۱۸ میلیون ان جریان

شکای خانه و چشمی و زیارت

تدارند هر چند هزار بیان میباشد

و برق ساخت خارجی را نماید و برق

بیشتری میباشد

نیز شرکت خارجی را نماید

و برق میباشد

بین ملت ایران در این آزادی

میباشد

معنی داشت که میباشد

مهم مثل شما این روزها در هر خانه وارد شویم صحبت از کفتوطه است تا بپرسی از روای احساس درست شده و مطالب داد که در نوع خود سایه است.

باز هم مجله پیکار زندگی

روز چهارشنبه زیارت، بهتر، متنی تر و دلنشیان قریب است

عالقمدان و خواندن گان هیسل

ذیر شاده سوم از شاهد دوم بهتر و زیارت و قنات قدر خواندنی تو

درست شده و مطالب داد که در نوع خود سایه است.

گذشتہ از داستار آش و مردی از گذشتہ ها

هر شنبه ای این از این شاهد نیز این ادبی و ترجمه

های تاریخی و مقاولات اتفاقی در خدمه سوم مجله پیکار زندگی جمع آوری

مقوی نداد و در مرغ اضطراب مگویند

اطاعت کور کوراه خوب توجه فرمایید

است خواه این از این شاهد نیز این ادبی از این

روسی، انگلیسی باشد آنرا بگانه،

چنین؛ هدیا زانی نلسون یافی و چون

و چرا در ازدش است.

پس توطه در ازدش هر صورتی

در آید چرم است و بدینه عذر این

عده که اکنون در این کفر قرار شده است

در سوی پا نکند که این تو طه بصریک خارجی

و یا ایادی اینجی هم باشد.

کامی جون احساسات سخنگو بان

پیوش می‌آید (فرموش نفرمایید هر چن

کردم احساسات نه عقل) می‌کویند هزار

نفر که چیزی نیست صد هزار نفر هم

که باشد همه را بکشید سوزانید و

بدیرا بر پرید تا این ریشه فساد از

پیش بود.

اثنان مثل اینکه نیغوه اندیان

ویشه فساد در بجا است.

نیغوه اند

بهمند که این همه و بالآخر سایر

هنگران ایشان مملو فساد هستند

هم اصل و قساد.

دولت های اسلام اعیان اصلاحی ما

پیدخته همیشه پاملول فساد مبارزه

کردند اند نه با اصل نساد.

مانندوزارت بهدازی که بودجه و نظرات و تشریفات

هیخواهد برای مبارزه و از

کثرت بیماره شهی در کشور آواره

است و حال آنکه اکر بکدهم همین

بودجه صرف مبارزه با مرش و عال

مرش میکردید اصولاً مریض و بیمار

پیدانیشد.

حال به پیش این علی نساد و انحراف

از کجاست

به پیش این علی و این ام الفساد

در خود هشون اجتماعی ما و شکلات

کشواری ما وجود دارد و همه محصول

فلامکاری های اجتماعی خودمان است.

وروی هیئت انصار است که این ستور

انتقامی داطلاعات برای مبارزه با آنها

باشده است.

آرای اعلی فساد شکلات و

نازگاریها اجتماعی و مملکتی ماست

که جزو عده مددودی مبارزه را نازگاری

میسارد شاخصه نمکید همه این گرفتاران

یا متهمن خان بوده و با ظریخیات

داشته و با اضطراب نظایر را نیفیوندند

شیر اینان اغلب نازگاری باره اندو

شایان دست اول که خوشبختانه ایشان

شاراندو با ساخته ایشان رایطی

داشته و مادرات و تبلیغ دست آنان

بوده (و میباشد) آنان حلق شود

که آن دست دیگر دارندو این فرودنگان

بدیخت هدف دیگر و بعد این که باشند

شود بی بردن چنان آسوده کردیده اند

که تو ای رکن ای این آنان سلب شده است

آن سیاهه بشایش که برای ای حقائق

پتشکلات داد گزیری مراجعت کرد و

می بیند چنان با بول کسی چرف او کوش

نمی بدهد، این م وجود که مانندشان در

دانسته ای این می خواهد می خواهد

فلان دریافت این می خواهد هم رسید کی

داد گزیری بی ایشان پاره شیخه بورت

در اندرون کاخ دا. گزیری ای درخانه اش

پادرشیان ایتحاد کرده بخواهند

آش زده و با تریک خورده است و با

آن زرد ایرانی کدر کشان تبعیضات

و مضائق اداری خش بایمال می خودد و

شاهدمیلوها را سرت و اخلاق ایشان

کند که بان خان دست اول جواب

ولیک ندهد اینان از سوء ظرف محرك

اصلی خبر ندارند

اکراجها: ما و شکلات مایل از

نیز است اکتوبر و زاده شد از قدرت

نداشت ای مردم را بنام مبارزه

با آنها نیتواست برای مقاصد شود

خود چشم نمود و بر علیه مصالح و استقلال

می دادند ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

آزادی ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

در پیش از قانون



تیت شده در: فریبت علام و اخراجات شماره ۱۲۵۸۳
۱۱۲۵۳

آن جاتوق کرد و بود راه فاصله پنجاه در خلیل این مدت پلیس چیز تازه قدم موتسلکت قدم نکرد و بود روز نامهای بین دیگر دادن بازه قلم فر و روزنامهای بین دیگر دادن بازه قلم فر- مخفی ماندن موتسلکت من هنوز در سانی نیکند.

یکروز صبح رئیس بانک مر احضار کرد و گفت که باید برای مدت بیک ماه

جیب خود پنهان کرد میں باسوهانی که این خرڅلی خوشحال شد چون باز کردن

به «پورا کوستا» مرفق پیشنهاد شد آزم و با استداد پلیس بروام من که

ارضی و جوان بقولی علاوه بر ازدیدار او را باز کرد و میل نداشت بیش از این در محل جرم با من

موتسکت جدید خود را برداشت وارد چاده شدم

درست درهین لحظه یک اتومیل میکرد یعنی «هن» بود ولی من میتوانم هر چند روزی از دور بیدا شد و در

پنجاه متری من، نزدیک محل که قلع صورت گرفته بود توفی کرد و میر

مرد آن پایه شده شده بزرع بوراندیش کردن من نمودند. یکی از آنها را باز

برای خدا-افظی «هان» و «ماک

لارن» بین آنها نام.

فصل ششم - خطر!

فردای آنروز با پولی که بانک برای خرج سفر می داده بود، موتسکت

چیدید خرڅلی نموده عازم «پورا کوستا» شد.

طی را، عابرین و ساکنین شهر

ها با تعجب بین نگاه میکردند و من

معطیت یودم که آنها محقق نکری

کند من همان موتسکت سوارم بوز

ماه گذشت هستم

پس از رو به «کول» موتسکت

خود را چلی یکی از هلهای اصلی «پورا کوستا» واقع شده بود میم.

مک تکی «پریس بانک آراماهویانی

پنیرفت و پریس بان «ولیوی» که

در داشت ونشت بد مرغی کرد؛

«ولیوی»، آتای «ادیس» از

در صندلی راحتی جای کردم، در این هنگام که من در افراخ خود غوطه و رو بودم که

اتومیل سواری بزرگ بوسیده از کرد و غارا مقابله در هنگام استاد من بایک نگاه

بینزیده بودم شناختم. چند ساعت شش و نیم بالاخره

با نگاه کردی که از کوه های اصلی «پورا کوستا» واقع شده بودم.

من تک روزی هر را دیانت بود گفت:

«ادیس» شما باید این آثارا

بشناسید.

درست تک کنید «جایپر و بلوی» ...

این من صاحب هتلی بیش نیستم و از کارخانه کشیده ندارم زیرا مشتری

باندازه کافی وجود دارد و شهر نیز مورد

ملاقه سیاری از سیاحان و ساکنین است.

«مک تکی» در حالیکه آمدیشید

که شهراز از سایه باشید که

درین صحبت باریس بیلی دید و شنید

که میگفت امر خلیل ضروری است و در

صورت لزوم باید کلیه مأمورین انتظای

را آمده بود.

است ذریجه ایجاد نیز دارد و مکنی

هر این صحبت اتفاق نداشت و از

میگفت این مکنیکه تصور میکرد

روی آن روز تصریم کردم

دوی آن و جو دونداشت، خطری متوجه

من نمیشد.

دوی آن روز تصریم کرد و میگفت

این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

میگفت این مکنیکه بزرگی داشت و از

